نوع مقاله: پژوهشی
صفحات ۲۴۲ - ۲۳۱

اندیشه‌ی بازگشت به قرآن در برپایی حکومت الهی
(با محوریت دیدگاه شیخ محمد عبده و سید قطب)

امیر کردکریمی[۱]
محمد الهی[۲]

چکیده

جوامع اسلامی از زمان صدر اسلام تا عصر حاضر فـراز و فرودهـای متعـددی داشـته انـد. جوامع اسلامی در تاریخ خود دوران اوج و شکوهی را تجربه نموده که در آن دوران مصدر علمـی و کنش گران فعال در سیاست روز جهان بوده اند. لیکن در عصر حاضر آنچه از جوامع اسلامی مشاهده می شود، ضعف و نالایقی در میان حکام اسـلامی و انحطـاط فرهنگـی، اخلاقـی و فقـر اقتصادی در میان اقشار مختلف مسلمانان است. علمای اسلامی ریشه ی این مشکلات را دوری از قرآن و چاره ی آنها را بازگشت به اندیشه های قرآنی می دانند. از میان علمای اسلامی شـیخ محمد عبده و سید قطب به عنوان علمای نامی اهل سنت به این موضوع پرداخته و چاره ی کار را در بازگشت به قرآن و اجرای احکام الهی در جامعه ی اسلامی می دانند. ایـن مقالـه بـه صـورت توصیفی و تحلیلی انجام شده و در نهایت با مطالعه نظریات علمای یاد شده، ایـن نتیجـه حاصـل شده که شیخ محمد عبده بیشتر معتقد به انجام اصلاحات در میان حکومت های اسلامی اسـت و سید قطب نیز معتقد به نوعی تفکر آرمانی و البته تکفیری در مسیر فعالیت های خود می باشد.

واژگان کلیدی

شیخ محمد عبده، سید قطب، قرآن، حکومت الهی، اسلام.

۱. استادیار گروه آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.
Email: am.kordkarimi@cfu.ac.ir
۲. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: Mohammad.amirabad@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۴/۱۰ پذیرش نهایی: ۱۴۰۵/۷/۴

طرح مسأله

اندیشه ی بازگشت به قرآن ابتدا توسط سید جمال الدین اسدآبادی مطـرح و سـپس علمـای مسلمان دیگری نیز به این نهضت پیوسته و تلاش کردند این اندیشه را در جوامع اسلامی ترویج نمایند. طی چند قرن اخیر، کشورهای اسلامی دچار بحران هـای عظیمـی شـده انـد. مطالعـه و بررسی مختصر نشان می دهد، عمده ترین دلایل شکل گیری این بحران ها، به سوء مـدیریت و ایرادات موجود در سیستم حکومتی و نوع حاکمیت ممالک اسلامی بازمی گردد. حکمرانان عمدتاً از مبانی اسلام حقیقی فاصله گرفته و آموزه های قرآنی در این ممالک و ایضاً در میان طبقـه ی حاکم به منصه ی فراموشی سپرده شده است. به عبارت دیگر تصمیم گیـری هـای نادرسـت و بعضاً برخلاف موازین قرآنی توسط برخی از حاکمان کشورهای اسلامی در قرون اخیر، ضمن بـه تصویر کشیدن چهره ای ضعیف و نالایق از حاکمان اسلامی، زمینه ساز به وجود آمدن مشکلات عدیده و بحران های جدی برای جوامع مسلمان شده است.

استعمار و یورش کشورهای بیگانه و مستکبر به کشورهای اسلامی و اقـدامات و کشـتارهای بیرحمانه ای که انجام دادند، ماحصل همین ضعف حاکمان بوده که نشأت گرفته و حاصل دوری از قرآن و موازین اسلامی و مورد تاکید در آن اسـت. عـلاوه بـر بحـران هـای متعـدد سیاسـی، اجتماعی و فرهنگی که به دنبال استقرار ساختارهای نادرست حکومتی به وجود آمده، پیامـدهای ناگواری مثل فقر اقتصادی، از بین رفتن وحدت و انسجام ممالـک اسـلامی، ظهـور فرقـه هـای تکفیری و چند دستگی و مواردی از این دست، به وضوح دیده می شود و از مشخصه های اصلی دوره ی انحطاط جوامع اسلامی است. به طور مثال، نسل کشی دهشتناک و آواره شـدن تعـداد بی شماری از مسلمانان مظلوم غزه از نتایج شوم همـین انحطـاط و انحـراف حاکمـان ممالـک اسلامی از معارف دین و موازین قرآن است.

وجود و بروز چنین شرایط اسفناکی در جوامع اسلامی که در نهایت منجر به انحطاط اخلاقـی و اضمحلال فرهنگی مسلمانان گردید، علمای اسـلام را بـر آن داشـت تـا چـاره ای بیاندیشـند. در نهایت سید جمال الدین اسدآبادی و شاگردان و پیروان این عالم بزرگوار، چاره را در بازگشـت بـه قرآن دیدند. این علما برآن بودند که بازگشت به قرآن و آشـتی دوبـاره ی مسـلمانان و حاکمـان اسلامی با مبانی دینی، می تواند تمدن اسلامی را به دوران شکوه خود بازگردانده و مسـلمانان را از فقر اقتصادی، انحطاط فرهنگی و اخلاقی، آوارگی، جنگ و حکام فاسد و نالایق رهایی بخشد. هر کدام از علما به نوبه ی خود، هم از اهل سنت و هم منادیان شیعی تلاش کردنـد بـه نحـوی اندیشه ی بازگشت به قرآن را در جوامع اسلامی ترویج نمایند. از جمله این بزرگان مـی تـوان بـه

شیخ محمد عبده و سید قطب اشاره کرد که از علمای به نام و جهادگر اهل سنت هستند.

شیخ محمد عبده در راستای اتحاد جوامع اسلامی و مبارزه با تفکر وهابیت تلاش های درخوری از خود نشان داد. سید قطب نیز به عنوان نظریه پرداز اصلی جمعیت اخوان المسلمین با ارائه ی نظریاتی در راستای خنثی کردن افراط های متجددان، نقش به سزایی در احیای تفکرات دینی و قرآن در میان اهل سنت و به ویژه در کشور مصر ایفا کردند. این دو عالِم، تلاش داشتند با اصلاح فرهنگی و اجرای برنامه های فرهنگی، زمینه ساز برپایی حکومت الهی در کشورهای اسلامی گردند. در مقاله حاضر تصمیم بر آن است که اندیشه ی بازگشت به قرآن در تفکر شیخ محمد عبده و سید قطب بررسی و مطالعه شود. در همین راستا ابتدا مفهوم حکومت الهی و ویژگی‌های آن را بررسی و سپس تلاش های شیخ محمد عبده و سید قطب در راستای احیای اندیشه‌ی بازگشت به قرآن و برپایی حکومت دینی را مد نظر قرار دادیم.

حکومت الهی

در میان انواع حکومت هایی که در سراسر جهان و از دوران تأسیس نخستین جوامع تا کنون، بر مناطق مختلف حکمرانی کرده اند، حکومت هایی هستند که دارای ماهیت مشابه بوده و درونمایه ی آنها بسیار نزدیک به یکدیگر است. از منظر محتوا و درونمایه، به طور مشخص می‌توان انواع حکومت ها را در دو دسته ی حکومتهای الهی و حکومت های بشری تقسیم‌بندی نمود. در پژوهش حاضر بحث در خصوص حکومت های بشری نیست، لیکن در خصوص حکومت‌های الهی باید اشعار داشت که برخی از مفاهیم بسیار نزدیک بوده و همپوشانی بالایی دارند. حکومت الهی و حکومت دینی از جمله مفاهیمی هستند که در درون چهارچوب یک حکومت غیر بشری، دارای تشابهات مفهومی و کارکردی بسیاری هستند، امّا نمی توان این دو نوع حکومت را مفهومی یکسان در نظر گرفت.

حکومت دینی حکومتی است که بر پایه ی توجه به اصل دین برقرار شده و سعی دارد موازین دینی را در حکمرانی خود پیاده سازی کند. در این نوع حکومت نمی توان چنین تصور کرد که حکمرانان، دقیقاً و کاملًا ملتزم به رعایت موازین دینی هستند. بلکه گاهی برقراری یک حکومت دینی صرفاً پوششی برای استقرار حکومت وکسب قدرت توسط حکمرانان است و به نوعی سوء استفاده از جامعه کاملا مشهود است. وضعیت فعلی حکمرانی در کشور سوریه مثال و نمونه بارزی از این وضعیت می باشد. امّا گاهی نیز مشاهده می شود که حکمرانان در یک حکومت دینی، خود را ملزم و ملتزم به رعایت موازین دینی دانسته و تلاش دارد تا سر حد امکان یک حکومت دینی کم نقص را مستقر نماید. به عنوان مثال، استقرار نظام اسلامی با رهبری حضرت امام (ره) و وقوع انقلاب اسلامی در ایران، می تواند، از این دست باشد. توجه به این

مهم که در حکومت الهی، تمامی ارکان حکومت وابسته به نظر و خواست الهی بوده و بایدکمترین میزان تخطی و تخلف از دستورات الهی در آن دیده شود؛ یک اصل مهم و انکارنشدنی است. برای مثال، حکومت حضرت امیر (ع) و ایضاً حکومت وعده داده شده ی حضرت مهدی (عج) از این دست از حکومت ها به شمار می روند.

در تعریف حکومت دینی چنین بیان شده: «حکومتی که مرجعیت همه جانبه یِ دینی خاص را در عرصه حکومت و اداره ی جامعه پذیرفته، حکومت دینی نام می گیرد. در این نظام، دولت و نهادهای گوناگون آن خود را در برابر آموزه ها و تعالیم دین و مذهبِ خاص، متعهد دانسته و تلاش می کنند تا در تدابیر و تعلیمات و وضع قوانین و شیوه سلوک با مردم و نوع معیشت و تنظیم شکل روابط اجتماعی، دغدغه ی دین داشته باشند و در تمام شئون حکومتی از تعالیم دینی الهام گرفته و آنها را با هم هماهنگ سازند. بر اساس این تعریف، حکومت دینی به دنبال تأسیس «جامعه دینی» است؛ یعنی می خواهد کلیه روابط اجتماعی، اعم از فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی، بر اساس آموزه های دینی شکل گیرد» ((واعظی،۱۳۸۶:۲۰)

چنانکه مطرح شد، در حکومت دینی، حکمرانانی که خود را ملتزم به دین می دانند، زمام امور حکومت را به دست گرفته و تلاش می کنند، الزامات دینی را در جامعه ی تحت حکومت خود پیاده سازی نمایند. در چنین حکومتی، شخص اولّ می بایست از علما و دانشمندان دین باشد. به عنوان مثال در حکومت جمهوری اسلامی ایران (که یک حکومت دینی است) شخص اولّ حکومت، یعنی همان مقام معظم رهبری (زید عزه) می بایست فقیه جامع الشرایط بوده و در دین، فقه و اصول اسلامی، به درجه ی اجتهاد رسیده باشد. از طرفی در حکومت الهی، شخص اولّ حکومت می بایست معصوم بوده و توسط خداوند به این سمت برگزیده شده باشد، مثل حکومت نبی مکرمّ اسلام(ص).

حکومت الهی دارای ویژگی های منحصر بفردی می باشد؛ از جمله این ویژگی ها چنین است که: «حاکم اصلی، خدا و قانون و احکام الهی است» (الیاسی،۱۳۹۶: ۱۰۹) همچنین می توان به این ویژگی اشاره داشت که در حکومت الهی این باور مطرح است که انسان نباید از هیچ انسانی اطاعت کند مگر اینکه اطاعت او اطاعت خدا باشد« (موسوی الخمینی، ۴/۱۳۵۷: ۱۶۶) لذا با توجه به این ویژگی ها می توان چنین اشعار داشت که حکومت الهی به دست خداوند و با حاکمی که بی واسطه برمی گزیند، اداره و مستقرمی شود. مثال بارز چنین حکومتی، حکومت حضرت امیر (ع) که در روز غدیرخم، به فرمان الهی، علنی و مطرح شد.

با این توصیفات می توان گفت، علی رغم وجود تشابهات و نقاط مشترک بسیار فراوان میان حکومت الهی و حکومت دینی، بارزترین نقطه ی تفاوت بین این دو نوع حکومت، چنین است که در حکومت الهی حاکم بی واسطه به وسیله ی فرمان الله برگزیده می شود، لیکن در حکومت

دینی حاکم نه بر اساس دستور بی واسطه ی خداوند، بلکه با استناد به تشریع الهی برگزیده می‌شود. به این صورت که ابتدائاً خداوند پیامبری مبعوث نموده و از طریق او، دین را تشریع می‌نماید؛ سپس بر اساس آنچه در دین تشریع شده، حاکم دینی برگزیده شده و حکومت دینی را برقرار می کند. حال باید دید با توجه به معارف قرآنی و با استناد به اندیشه بازگشت به قرآن، آیا می‌توان حکومت الهی نبوی و علوی را در جامعه ی اسلامی احیا نمود؟

اندیشه‌ی بازگشت به قرآن

در میان علمای اسلام، اندیشمندان متعددی به موضوع قرآن توجه نموده و اشعار داشته اند که بازگشت به قرآن در زمینه امور حکومتی، می تواند ناجی مسلمانان باشد. چنانچه از نگاه مذهب تشیع به این موضوع نگریسته شود، باید چنین گفت که با ظهور حضرت مهدی(عج)، بنا بر ویژگی هایی که در منابع شیعی بیان شده، پایه های یک حکومت الهی طرح ریزی و استقرار و استمرار آن امکان پذیر می گردد. نقطه ی عطف اعتقاد شیعی این است که قبل از واقعه‌ی ظهور، ابتدا مسلمانان می بایست شرایط و زمینه لازم را در درون خود ایجاد و سپس، زمینه ی روحی و روانی آن را در قامت یک جامعه ی اسلامی و ایضاً در میان غیرمسلمانان فراهم نمایند. تا زمانی که چنین زمینه ای فراهم نگردد، طبیعتاً ظهور نیز واقع نخواهد شد؛ پس به طور خلاصه باید چنین اشعار داشت که اندیشه بازگشت به قرآن در واقع، فراهم نمودن زمینه ی ظهور و همچنین فراهم‌کننده‌ی تشکیل یک حکومت الهی توسط حضرت مهدی موعود (عج) است. لذا چنانکه بیان شد، اندیشمندان مختلفی به موضوع بازگشت به قرآن پرداخته اند، لیکن در مقاله ی حاضر مشخصاً به بررسی آرا و نظرات شیخ محمد عبده و سید قطب پرداخته می شود.

۱. شیخ محمد عبده

شیخ محمد عبده از شاگردان مکتب سید جمال الدین اسدآبادی بود اماّ رفتار و منش او اندکی با سید جمال تفاوت داشت. سید جمال نوعی تفکر انقلابی را در سر می پروراند، لیکن شیخ محمد عبده بیشتر رویکردی اصلاحی داشت و بر این عقیده بود که حکومت ها در جوامع اسلامی می‌بایست اصلاحاتی در درون خود ایجاد نمایند. اندیشه های اصلاحی شیخ محمد عبده، اصلاح از دیدگاه اندیشمندان اسلامی و مفهوم قرآنی است که در برابر فساد معنا می یابد و در راستای فساد هر آنچه که دچار فساد شده باشد، کاربرد دارد. از دیدگاه عبده، هرگونه تحول سیاسی، بدون زیر بنای فرهنگی و تربیتی به شکست می انجامد.

سید جمال الدین اسدآبادی نخستین شخصیتی است که اندیشه ی بازگشت به قرآن و احیای تفکر دینی را چاره ی رهایی از انحطاط در حکومت ها و جوامع اسلامی می دانست. پس از سید جمال، شیخ محمد عبده که پژوهشگران وی را یکی از بهترین شاگردان و مریدان سید جمال می

دانند، به عنوان دومین شخصیتی معرفی می گردد که پرچم اصلاح در میان امتّ اسلامی را به اهتزاز در آورده است. هر چند عبده شاگرد سید بود، اماّ چنانکه بیان شد، اندیشه ی او کاملًا با اندیشه های سید مطابقت نداشت. شاید بتوان گفت مهمترین تفاوت میان اندیشه ی شاگرد و استاد، در توجه خاص عبده به بحران اندیشه ی مذهبی مسلمانان در اثر برخورد با تمدن غربی و مقتضیات جدید جهان اسلام باشد که، مسلمانان در اثر رکود چند صد ساله آمادگی درستی برای مقابله با این بحران نداشتند. به واقع شیخ معتقد بود که مسلمانان در رکودی چندصد ساله بوده و پس از این رکود مدید، با موج تحولات و تجددهای تمدن غربی مواجه شده اند و اینک از لحاظ فکری، یارای مقابله با این تحولات را ندارند؛ پس باید با انجام اصلاحاتی که بُنمایه و اساس آن بازگشت به قرآن و بازگشت به ریشه های دین اسلام است، مسلمانان را از این رکود تاریخی خارج ساخته و آماده‌ی مقابله با موج تحولات و تجددهای تمدن غربی نمود (جهت مطالعه ی بیشتر رک: مطهری۱۳۹۰: ۳۶)

شیخ محمد عبده معتقد بود که وقوع یک انقلاب در جوامع اسلامی و تعویض و تغییر حکومت های پادشاهی با حکومت های انقلابی در صورتی که زیرساخت فرهنگی آن مهیا نباشد، به سرانجام روشنی نخواهد رسید. به عبارت دیگر شیخ قائل بر این بود که ابتدا با پرداختن به امور فرهنگی و اصلاحی می بایست فضای فرهنگ عمومی و دینی مسلمانان را اصلاح نمود و سپس ضمن آماده سازی جوامع و آحاد مسلمانان برای پذیرش یک حکومت دینی، با برپایی انقلاب، حکومت های پادشاهی را به حکومت های دینی تبدیل نمود.[۱]

پژوهشگران چهارچوب اندیشه های سیاسی شیخ محمد عبده در خصوص برپایی حکومت اسلامی و بازگشت به قرآن را دارای ویژگی ها و عناصری می دانند که عبارتند از: ابتدا «طرح حکومت دینی» مبتنی بر پیوند سیاست با قدرت به دلیل سرشت دین اسلام در پیوند امر معنوی و مادی (که در واقع عبده از این طریق راه حلی برای جمع بین اسلام و مقتضیات دوران مدرنیته به دست داده بود)؛ ثانیاً «خصلت مدنی اقتدار حکومت» که طی آن هر چند شارع صلاحیت هایی برای حاکم و قاضی معین کرده است، ولی اقتدار آنها ناشی از رأی مردم می باشد و مردم با بیعت خود به حاکم اسلامی، مشروعیت می بخشند و بر او نظارت دارند و در نهایت، تأکید بر «نظام شورایی» که بر اساس آیات قرآن کریم، به شورا شکل شرعی میدهد، هر چند کیفیت آن منصوص نیست و مردم براساس مقتضیات هر عصر می توانند شکل آن را تعیین کنند و همچنین تصریح بر نهاد « قانونگذاری» که البته مرجع اصلی در قانونگذاری، نزد وی

۱. جهت مطالعه ی بیشتر به تارنمای پژوهشگاه مطالعات تقریبی به نشانی https://taqribstudies.ir/ با سرشناسه «شیخ محمد عبده» مورخ ۹ مهرماه ۱۴۰۱، مراجعه کنید.

احکام شریعت است (حقیقت، ۱۳۷۹: ۲۱) چنانچه در سطور پیش نیز بیان شد، شیخ محمد عبده، تفکری اصلاح گرایانه داشت و به دنبال انقلاب نبود، در همین راستا عبده بین دین و سیاست رابطه ای مستقیم می دید و در صدد اصلاح خلافت عثمانی بود (عنایت، ۱۳۵۶:۱۵۰).

شیخ در خصوص نحوه ی حکومت داری به اصل شورا و آیه ی «و امرهم شوری بینهم» توجه داشت و دیدگاه وی چنین بود که بر اساس اصل شورا، شکل حکومت به مردم واگذار شده و خلیفه نباید در این گونه مسائل دخالت مستقیم داشته باشد. از نظر وی، آیات شورا و از جمله همان آیه ی «و امرهم شوری بینهم»[1] صرفاً بر امور دینی دلالت ندارد، بلکه اتفاقاً منظور آیه، امور دنیوی است و نه امور دینی، اهم وظایف شورا قانون گذاری و نظارت بر حسن اجرای وظایف از سوی مسئولان حکومتی است. (عبده، ۱۴۲۷ق/ ۱: ۳۹-۴۴)

از ویژگی های بارز شیخ محمد عبده این بود که در تفسیر قرآن روش جدیدی برگزید که بر پایه ی نوگرایی و تجدد استوار می شد. شیخ قرآن را میزان و محک هدایت یافتگی می دانست و به شاگردانش می گفت، برای آگاه شدن از میزان هدایت یافتگی، اعمال خود را به قرآن عرضه نمایند، پس به هر میزان که اعمال آنها با آموزه ها و آیات قرآنی مطابقت داشت، به همان مقدار، دارای هدایت یافتگی هستند (جهت مطالعه ی بیشتر رک: ویسی، ۱۳۹۱: ۴۹)

شیخ با این روش، سعی داشت از طرفی جامعه ی اسلامی را در متن تحولات و تغییرات جدید قرار دهد و از سوی دیگر با تفسیر متجددانه ی آیات قرآن، این آیات را به عنوان برنامه ای جامع و کامل برای زندگی مسلمانان و رها شدن آنها از بحران های سیاسی و اجتماعی معرفی نماید.

شیخ محمد عبده با تفکر و تمدن غربی که در قاره ی اروپا رایج بود، آشنا بود و به همراه سید جمال در زمینه ی ترجمه و تفکر در آثار اندیشمندان غربی، فعالیتی درخور داشت. لذا از این باب می توان گفت که تفکرات متجددانه ی وی و تفسیر نوگرایانه ی او از آیات قرآن، بی ارتباط به آشنایی وی با شیوه ی تفکر در شرایط آن روز اروپا نبود.

شیوه ی تفکر و نظرات شیخ در خصوص بازگشت به اسلام و قرآن در کتاب «رسالةالتوحید» وی منعکس شده است. در این کتاب می توان به طور خلاصه دو مولفه و محور اساسی از دیدگاه شیخ را چنین برشمرد: الف) وی نسبت به دین اسلام و قرآن، نگاهی غیورانه داشته و راه حل تمامی بحران های جوامع اسلامی را منحصراً در دین و آیات قرآنی می دیده است؛ ب) از دیدگاه شیخ، تعقل و تفکر در دین اسلام و آیات قرآن جایگاه خاصی دارد و آیات قرآن در چندین موضع، مسلمانان را به تعقل و تفکر دعوت می نماید. از همین رو معتقد است که مسلمانان برای رهایی

---

۱. آیه ی ۳۸ سوره شوری

از جمود فکری و رهایی از معظلات اجتماعی و سیاسی، می بایست به تعقل و تفکر مدنظر قرآن روی بیاورند (جهت مطالعه ی بیشتر رک: عبده، ۲۰۰۵: ۲۵-۵۰ و ۱۰۰-۱۱۰)

در مجموع در خصوص اندیشه های شیخ محمد عبده باید اذعان داشت که وی بازگشت به ریشه های اسلام و ارائه ی تفسیری نوگرایانه از آیات قرآن را راه چاره ی جوامع اسلامی برای رهایی از جمود فکری و بحران های اجتماعی و سیاسی می دانست. همچنین وی با برپایی انقلاب بدون زیرساخت های فکری و فرهنگی، موافق نبود؛ بنابراین چنین عقیده ای داشت که ابتدا باید حکومتهای اسلامی را اصلاح نموده و پس از فراهم شدن اصلاحات در تفکر و فرهنگ جوامع اسلامی، حکومت های پادشاهی را به حکومت های انقلابی، تغییر داد. در همین راستا شیخ همواره به دنبال ایجاد اصلاحاتی در حکومت عثمانی بود.

۲. سید قطب

سید قطب، ابراهیم حسین شاذلی ادیب برجسته، نویسنده و نظریه پرداز اسلامگرای مصری بود. اندیشه ها و نظریات سید قطب تحت تأثیر اندیشه های اندیشمندان معاصر خود نظیر ابوالاعلی مودودی بوده و نقش عمده ای در احیای تفکر بنیادگرای قرن هشتم مانند ابن تیمیه داشته است.

سید قطب در دهه ی ۱۹۷۰ میلادی به عنوان یک نظریه پرداز، نقش رهبری بنیادگرایی اخوان المسلمین را بر عهده داشته و در ظهور مجدد اخوان در اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی، نقشی تأثیرگذار ایفا نمود و یکی از عوامل مهم انسجام دوباره گروه اخوان المسلمین بوده است. امروزه اثرگذاری نظریات سید قطب در فکر و عمل اسلام گرایان پس از او چه در مصر و چه در کشورهای عربی قابل شناسایی است. مفاهیمی مانندی جاهلی اسلامی، جهاد، گروه پیشتاز، حکومت و حاکمیت از نکات کلیدی در بررسی اندیشه ی سید قطب به شمار می‌رود. مهمترین اثر سید قطب به لحاظ سیاسی کتاب معالم فی الطریق است و از این کتاب به عنوان مانیفست گروه‌های اسلامگرا یاد می‌شود. (زرکلی، ۳/۱۹۹۰: ۷۴۵-۷۴۱)

حاکمیت یکی از بنیادی ترین مفاهیم در اندیشه ی سید قطب است؛ وی باور داشت به اقتضای «لا اله الا اللّه» هیچ حاکمیتی جز برای خدا نیست و هیچ شریعتی جز شریعت خدا و هیچ سلطه ای برای کسی بر کسی نیست، زیرا هرگونه سلطه از آن خداست. این باور در سید قطب متأثر از اندیشه های ابوالاعلی مودودی شکل گرفته بود و بر همین مبنا، حکومتهای بشری را نقطه-ی مقابل حکومت الهی می دانست. مفاهیم حاکمیت الهی در دیدگاه سید قطب بر دو پایه قرار دارد: عبودیت تنها برای خدا و رهایی از حاکمیت بشر یا سلطه ی طاغوت هاست‌که شامل همه نظام های دموکراتیک، سوسیالیست و سکولار می‌شود. (رک سید قطب، ۱۹۵۳: ۲۵ به بعد)

سید قطب حاکمیت الهی را دارای هفت ویژگی می داند: ربانیت، ثبات، شمول، توازن، مثبت گرایی، واقع باوری و توحید، حقیقت این است که وی بیشتر این ویژگی ها را در ضدیت و مخالفت با تمدن غربی ریخت بندی کرده است: برای مثال «ربانیت» در ضدیت با مکتب های فلسفی انسان گرای غربی است، «ثبات» در مقابل نظریات تکامل، «توازن» در ضدیت با افراط مکتب های فلسفی و تک بعد نگری آنها، «مثبت گرایی» ضد منفی بافی اتوپیاهای فلاسفه، «واقع باوری» ضد خیال پردازی فیلسوفان و ادیبان (حنفی، بیتا: ۹۳۲)

سید قطب نیز به مانند شیخ محمد عبده در خصوص اندیشه های دینی و قرآنی، غیورانه برخورد می نمود؛ تا جایی که برخی از مسلمانانی که به زعم سید قطب از اندیشه های قرآنی فاصله گرفته بودند را تکفیر می کرد. « مشقت بزرگی که امروزه دامنگیر جنبش های اسلامی حقیقی شده، وجود اقوامی از نسل مسلمانانی است که در سرزمین هایی زندگی می کنند که روزگاری دارالاسلام بود و دین خدا بر آن حاکمیت داشت، ولی این اقوام حقیقتاً اسلام را رها کرده اند و تنها اسم آن را ابراز می کنند. این اقوام از لحاظ عقیدتی و واقعی مقولات اسلام را منکر شده اند. هرچند گمان می کنند که به لحاظ عقیدتی به اسلام متدین هستند (سید قطب، ۵/۱۹۵۷: ۸۳۲) سید قطب در جایی دیگر گام را فراتر نهاده و با لحن تندتری گفته است: « تنها یک دارالاسلام داریم و آن همان است که دولتی اسلامی در آن برپا و شریعت خدا بر آن حاکم است و حدود خدا اقامه می شود و مسلمانان یار و دوست یکدیگرند. جز این هر چه هست؛ دارالحرب است و رابطه ی مسلمانان با آن یا جنگ و پیکار است یا صلح بر مبنای امان» (مرادی، ۱۳۸۲: ۷)

سید قطب بر این باور است که در جامعه ی اسلامی غیر از آیات قرآن و احکام الهی، نباید هیچ قانون دیگری تشریع شود و اگر چنین باشد، آن جامعه را نمی توان یک جامعه ی اسلامی قلمداد نمود. دیدگاه سید قطب به نوعی یک ایده ی آرمانی است.

سید قطب از علمای اهل سنت می باشد، لذا در یک بیان جامع وکلی باید اشعار داشت؛ در عقاید اهل سنت، بعد از رسول مکرم اسلام(ص)، خلفا عهده دار مدیریت جامعه‌ی اسلامی شدند؛ لذا اعتقاد به امامت بعد از نبوت در میان اهل سنت، به صورتی که در میان اهل تشیع رایج است، وجود ندارد. پس از دیدگاه ها و نظریات سید قطب می‌توان چنین برداشت کرد که وی صرفاً حکومت نبی مکرم اسلام را نمونه‌ی یک حکومت اسلامی تمام عیار می داند و حکومت‌های بعد از پیامبر اسلام را به نوعی انکار کرده است، زیرا در هیچ دوره‌ای از حکومت‌های اسلامی، چنین نبوده که حکومت کاملًا برپایه‌ی احکام الهی شکل گرفته و اداره شود.

نکته‌ی قابل تأمل در خصوص نظریات سید قطب، اعتقاد به ظهور (مهدویت) در میان اهل‌سنت است. اعتقاد به ظهور مختص به مذهب تشیع نیست، بلکه این اعتقاد در میان اهل سنت

نیز ساری و جاری است. به نحوی که احادیث مربوط به مهدویت در منابع و کتب اهل سنت به حد تواتر رسیده است. ابن خلدون در همین رابطه بیان می دارد: « مشهور بین همه ی اهل اسلام، این است که حتماً در آخرالزمان، مردی از اهل بیت (علیهم السّلام) ظهور می کند که دین را حمایت، و عدل را آشکار می کند و مسلمانان از او پیروی می کنند و او بر ممالک اسلامی استیلا می یابد. آن شخص، مهدی نامیده می شود»(ابن خلدون، ۱۴۰۸ق/ ۱: ۳۱۱) محتوای عمده ی مهدویت در میان اهل سنت و اهل تشیع را می توان حدوداً یکسان دانست؛ از جمله این باور که "در آخرالزمان مردی که به او مهدی می گویند، ظهور کرده و دین رسول الله را پس از انحرافات، مجدداً احیا می کند". بنا بر این اعتقاد، اساس مهدویت چنین است که حضرت موعود جهت احیاء و برطرف کردن انحرافات جامعه ی اسلامی ظهور نموده و سپس دین اسلام را در سراسر جهان می گستراند. اینک نقطه ی تزاحم دیدگاه سید قطب و مسأله ی مهدویت در این محور است که سید قطب می گوید اگر جامعه ی اسلامی بر مبنای احکام الهی و آیات قرآن اداره نشود، دیگر نباید نام جامعه ی اسلامی بر آن نهاد.

با چنین باوری تمامی مسلمانان تا قبل از ظهور کافر گشته و هیچ اثری از جامعه ی اسلامی برجای نخواهد ماند. این در حالی است که بنا به اعتقادات مهدویت، درآستانه ی ظهور جوامع اسلامی از بین نرفته بلکه دچار انحرافات شده اند که حضرت مهدی برای درمان انحرافات دست به انقلاب جهانی خواهند زد. در برخی از احادیث بیان شده که در آستانه ی ظهور، انحرافات جوامع اسلامی به میزانی شده که انگار حضرت موعود دین جدیدی عرضه می نماید؛ لیکن با تمام این انحرافات در هیچ حدیث و آیه ای جوامع اسلامی در آستانه ی ظهور بدان صورت که سید قطب معتقد است، تکفیر نشده اند، لذا می توان چنین برداشت کرد که باور سید قطب نسبت به بازگشت به قرآن و احکام اسلامی در میان مسلمانان بسیار غیورانه و مقداری آرمانی است.

در سطور فوق اشاره شد که حکومت الهی گرچه تشابهات بسیاری با حکومت دینی دارد، لیکن مفهومی متفاوت است. به نظر می رسد، نظریات سید قطب در خصوص حکومت، بیشتر معطوف به حکومت الهی باشد تا حکومت دینی. اماّ آنچه مسلم است این است که سید قطب معتقد است تنها راه رهایی مسلمانان از انحطاط و انحراف بازگشت به آیات قرآن و احکام الهی است.

نتیجه گیری

آنچه از مطالعات صورت گرفته در این پژوهش به دست آمده این است که حکومت الهی با حکومت دینی دارای تفاوت هایی است. عمده ترین تفاوت در انتساب حاکم و مشروعیت حکومت اوست. در حکومت الهی شخص معصوم در رأس حکومت قرار می گیرد و در حکومت دینی، حاکم عالِم دین است. شیخ محمد عبده معتقد است ابتدا می بایست با انجام دادن اصلاحات فرهنگی و دینی، مسلمانان را از انحطاط و انحراف، رهایی بخشید و سپس اصلاحات را به حکومت های اسلامی تسری داد و در نهایت زمینه ساز برپایی حکومت الهی توسط معصوم شد. اما سید قطب نوعی تفکر آرمانی دارد و معتقد است؛ چنانچه در جامعه ی اسلامی آیات قرآن و احکام الهی رعایت نشود، باید آنها را تکفیر کرد.

فهرست منابع

۱. ابن خلدون، (بهار ۱۳۹۶) تاریخ ابن خلدون، جلد اول، مصحح سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، هق ۱۴۰۸.

۲. الیاسی، مرتضی، تجلی حکومت الهی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه ی مطالعات انقلاب اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۴۸.

۳. حقیقت، سید صادق، (تابستان ۱۳۷۹) اندیشه‌ی کلامی سیاسی عبده، مجله نامه‌ی مفید، ش ۲۲.

۴. حنفی، حسن، (بی تا) الحرکات الدینیه المعاصره، قاهره، مکتبه المدبولی.

۵. زرکلی، خیرالدین، (۱۹۹۰م) الاعلام، جلد سوم، بیروت، دار العلم للملایین.

۶. سید قطب، (۱۹۵۳م) دراسات الاسلامیه، قاهره، مکتبه لجنه الشباب المسلم.

۷. سید قطب، (۱۹۵۷م) فی ظلال القرآن، جلد پنجم، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه.

۸. عبده، شیخ محمد، (۱۴۲۷ق) الاعمال الکاملهٔ للامام محمد عبده، محمد عماره، جلد اول، قاهره، دار المشروق، الثانیه.

۹. عبده، شیخ محمد، (۲۰۰۵م) رسالهٔالتوحید، قاهره، مکبث الأسرهٔ.

۱۰. عنایت، حمید، (۱۳۵۶) سیری در اندیشه های سیاسی عرب، شرکت سهامی کتاب های جیبی، چاپ اول.

۱۱. مرادی، مجید، (۱۳۸۲) تقریر گفتمان سید قطب، نشریه علوم سیاسی، شماره ۱۲، ۱۲.

۱۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۰) نهضت های اسلامی در یکصد سال اخیر، تهران، انتشارات صدرا.

۱۳. موسوی الخمینی، روح الله، (۱۳۵۷) صحیفه‌ی نور، جلد چهارم، تهران، مرکز نشر آثار امام.

۱۴. واعظی، احمد، (۱۳۸۶) حکومت اسلامی، قم، مرکز مدیریت حوزه ی علمیه، ۱۵.

۱۵. ویسی، محمود، (پائیز ۱۳۹۱) روش شیخ محمد عبده در تفسیر مسائل اجتماعی و فقهی در قرآن، فصلنامه ی فروغ وحدت، سال هشتم، شماره ی ۲۹.